

## در دور افتاده‌ترین مناطق بسیار ارزنده است و شاید رویای بسیاری از اهالی هنر باشد که هنوز به آن دست نیافته‌اند.

اساساً این به نوعی یک برگشت به ریشه است. این هنر روزگاری توسط کولی‌ها به اجرا در می‌آمده، سیال و سیار بوده و در واقع به سراغ مخاطبش می‌رفته است. آن کاری که من تلاش کردم انجام بدهم غیر از اینکه به ریشه این هنر برگردم این بوده که به شکل اجرایی آن هنر نیز به صورت واقعی برگردم. من این روزها و حدود ۳ سال است که عین یک کولی سفر می‌کنم یعنی واقعا روستا به روستا و شهر به شهر می‌روم، مخاطبم، محل اجرا و رویدادگاه را خودم پیدا می‌کنم و برایش برنامه‌ریزی می‌کنم و سراغ آدم‌ها می‌روم و برایشان شادی می‌برم. شاید من این شانس را داشتم که آنچه برایم یک آرزوی سی و اندی ساله بوده به وقوع پیوندد. یعنی بدین گونه نبوده که من امروز تصمیم بگیرم چنین کاری انجام بدهم بلکه واقعا امکانش بعد از سی و اندی سال فراهم شده است.

### چه بازخوردهایی در برخورد با بچه‌های ایران داشتید؟

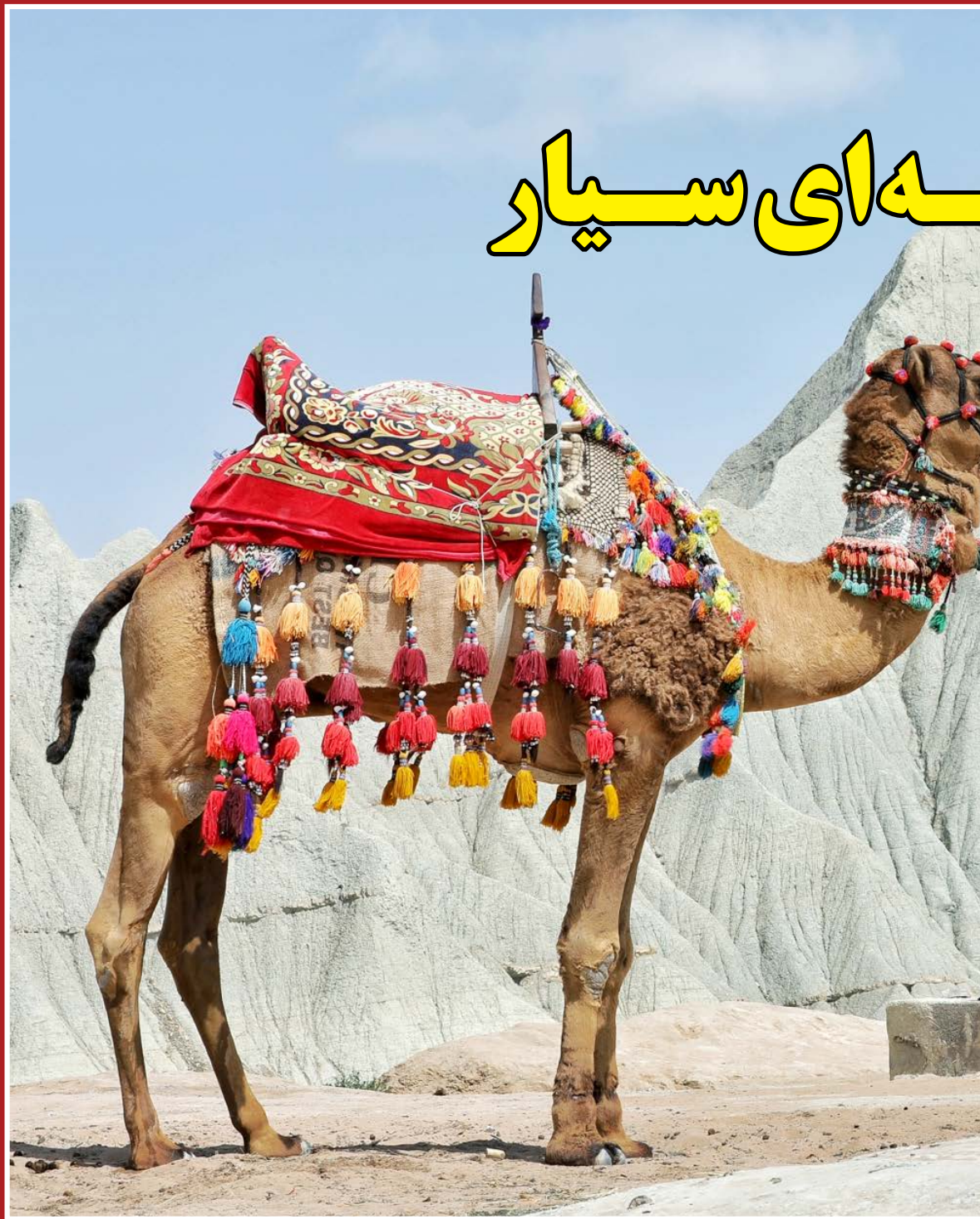
من در این زمینه تجربه‌های مختلفی داشتم. در واقع از گرانترین مدرسه ایران در منطقه‌ای از تهران تا دور افتاده‌ترین روستاهای ایران این نمایش را اجرا کردم. برایم جالب است که اتفاقاً برخلاف آنچه تصور می‌شود که این هنر یک هنر کهنه است و ممکن است دیگر مخاطب نداشته باشد و بچه‌ها دوستش نداشته باشند و نتوانند با آن ارتباط برقرار کنند، شاهد بودم که هم آن کودکی که در گران‌ترین مدرسه ایران است و امکانات به روز جهان را در اختیار دارد پای این خیمه از شادی به شوق آمده و هم آن بچه‌ای که حتی پای تلویزیون هم به روستایش نرسیده است و این نشانه ماندگاری این هنر و درست بودن سیستم این هنر نمایشی است که می‌تواند به راحتی با مخاطبش ارتباط برقرار کند. اما مشکل این است که مهارت‌ها فراموش شده است و این همان دلیلی است که من با این میزان سعی و تلاش سعی می‌کنم این هنر را در نقاط مختلف معرفی کنم. من بنا به دلایلی چند سالی در تهران زندگی نمی‌کردم، زمانی که من تهران را ترک می‌کردم تنها چند نفر به دنبال یادگیری هنر خیمه شب بازی بودند اما وقتی برگشتم در جشنواره‌های مقابل تئاتر شهر حدود ۸ اجرای خیمه شب بازی دیدم و آنقدر این اجراها برای من خالی از مهارت، بد و بی‌قاعده بودند که من وحشت کردم از اینکه ما چقدر راحت می‌توانیم با اشکال کج و کوله و من در آوردی از یک هنر، تیشه به ریشه‌اش بزنیم و آدم‌ها ببینند و با خود بگویند اگر خیمه شب بازی یا هر هنر سنتی این است همان بهتر که رها شود و از بین برود. این بود که از آن روز کمر همت بستم و حس کردم که وارد یک جنگ شده‌ام، جنگی بر علیه کجروی‌ها چرا که دیگر سرچشمه‌ای برای لمس کردن این هنر وجود نداشت، یعنی هیچ استاد بزرگی از این هنر زنده نبود و این اشکال کم مهارت بدون ویژگی داشت خاطرات نوستالژیک این هنر را نیز به سرعت پاک می‌کرد و خیلی خوشحالم که این امکان برایم ایجاد شده که بتوانم این هنر را در جای جای ایران معرفی کنم.

### نتیجه‌ای که امید است حاصل شود چیست؟

بزرگترین اتفاقی که می‌تواند بیفتد این است که بچه‌ها با این هنر آشنا شوند. قاعدتاً کاشتن این بذریه در دور دست‌های ایران می‌تواند این امید را ایجاد کند که یک روزی این بذریه با این امکان است جوانه بزند و ممکن است آن کودک روزگاری این راه را در پیش بگیرد و همین که بتوانیم این هنر را معرفی کنیم خودش یک کار اثرگذار است و گذشته از این چند لایه آموزش در کارگاه‌های من اتفاق می‌افتد، یکی آن مخاطبینی هستند که سر کلاس‌ها می‌نشینند با این هنر آشنا می‌شوند، بعدی دستیاران من هستند که به صورت پر تعداد این اتفاق آموزشی را تجربه می‌کنند و پخته می‌شوند و مهم‌تر از همه و پیچیده‌ترین لایه آموزش برای خود من است. روزگاری من بیست و یک ساله بودم که دنبال آموزش خیمه شب بازی رفتم و درکی از آموزش به مفهومی که امروز است نداشتم. من جوان خامی بودم زمانی که استاد داشتم و امروز در این کارگاه‌ها من با اقوام مختلف و کودکان اقوام مختلف تمام اجزای این هنر را هزار باره تجربه می‌کنم و از این اتفاق بیش از هر کسی خودم فرامی‌گیرم و این مهم‌ترین لایه آموزش است و قاعدتاً هر جایی که استعدادی بیابم بی‌دریغ تمام توانم را خواهم گذاشت برای اینکه آن استعداد به منصفه ظهور برسد و بروز پیدا کند.

### سخن پایانی

مطمئناً یکی از آرزوهایم این است که این مستند به قدر کفایت دیده شود و امیدوارم که مورد اقبال مخاطبین قرار بگیرد و دوستش داشته باشند. امیدوارم که همه ما برای رستخیز فرهنگ ایران بیش از این تلاش کنیم چرا که فرهنگ ایران باید دوباره به آن جایی که بوده بازگردد. روزگاری در ۱۰ سال گذشته ما یک مهاجم فرهنگی بودیم اما امروز به ظاهر مورد تهاجم واقع شده‌ایم و امیدوارم که بتوانیم به آن جایگاه برگردیم و دوباره مهاجم فرهنگی جهان شویم.



# سه‌ای سیار

عموم مردم کشور نبوده است. این خاطره بخشی از گذشته این مسئله در ذهن من بود و زمانی که من دانشجوی رشته نمایش در دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران بودم یک روز به فستیوال نمایشی تهران - مبارک رفته بودم و می‌خواستیم یک کار خارجی بینیم اما شنیدم که قرار است در پارک شهر یک اجرای خیمه شب بازی باشد و آنجا برای اولین بار اجرای خیمه شب بازی را از استاد شیخ احمد خمسه‌ای دیدم و خیلی برایم عجیب بود و یک لحظه از ذهنم گذشت که اگر روزی فرزند داشته باشم، آیا آن فرزند هم این شانس را خواهد داشت که این عروسک رازنده ببیند و اینگونه شد که حتی به یک هفته هم نکشید دنبال آدرس خانه استاد شیخ احمد خمسه‌ای گشتم و از ایشان خواهش کردم که پیش ایشان خیمه شب بازی را یاد بگیرم. بعدها این فرصت را داشتم که از استاد بزرگتر دیگری به نام آقای علی اصغر احمدی خیمه شب بازی بیاموزم و دوره طولانی‌تری آموزش بینیم و این یک اتفاق تاریخی برای من بود چرا که بعد از انقلاب اسلامی تا سال ۶۶ و ۶۷ عملاً چیزی به نام خیمه شب بازی وجود خارجی نداشت و فعالین این عرصه رها شده و بنگاه‌های شادمانی جمع شده بودند و عملاً دیگر چیزی به نام خیمه شب بازی در دسترس نبود و از این سال‌ها به بعد دوباره سراغ خیمه شب بازی رفتند و به جشنواره‌های مختلف فرستاده می‌شد و من حدود سال ۱۳۷۱ خیمه شب بازی را به صورت زنده دیدم و بعد شروع به شاگردی کردم و این هنر را فرا گرفتم اما هیچ وقت فکر نمی‌کردم که برایم آنقدر جدی شود و روزگاری تمام عمر و زمانم را صرف خیمه شب بازی کنم.

تلاش شما برای انتقال این هنر به فرزندان ایران آن هم

که از راه‌اندازی اولین تماشاخانه خیمه شب بازی و روندش تصویری مستند ثبت شود ولی خوب به تدریج که جلورفتیم برای آقای نوری ظرفیت هنر خیمه شب بازی به عنوان یک سوژه جذاب برای فیلم خیلی مورد توجه قرار گرفت. اتفاق خیلی جذابی که افتاده این است که حجم زیادی راش ضبط شده که می‌تواند بخش مهمی از تاریخ خیمه شب بازی ایران شود و برای من که موزه خیمه شب بازی را با خانم ستاره اسکندری راه‌اندازی کرده‌ام ارزش این فیلم به عنوان یک اثر دیدنی ماندگار قابل لمس است چرا که یکی از بزرگترین معضلات این است که منابع تصویری زیادی از گذشته این هنر وجود ندارد. ضبط این حجم تصویر از کلاس‌ها، کارگاه‌ها و اجراها می‌تواند در حقیقت خودش باعث شود که این هنر بعدها در دسترس قرار بگیرد و این برای من مهم‌ترین بخش ماجرا بود و خوب بالاخره فیلم هم برای خودش روندی داشت که روند جذابی بود و امیدوارم که بتواند روی مخاطبش تاثیر بگذارد.

### هنر خیمه شب بازی چگونه برای خود شما آغاز شد و چگونه به رویایی به نام خیمه شب بازی سیار رسیدید؟

ما به عنوان یک آیین تکرار شونده در شب سال نو و چهارشنبه سوری هر سال این صدای سوتک و آن عروسک را از تلویزیون ملی ایران به خاطر داریم اما اصولاً هنر خیمه شب بازی هیچ وقت آنقدر در دسترس نبوده غیر از گذشته‌های بسیار دور مثلاً در دوران خیام که در میان اکثر اقوام ما این هنر رواج داشته است. این هنر در دوران قاجاریه به تهران می‌آید و در مناطق دیگر کم کم محو می‌شود و به صورت متمرکز در تهران ادامه پیدا می‌کند و دیگر چندان در دسترس